

در چند مرحله تجدید سازمان یافتند . آنچه سپاه بود بصورت لشکر تجدید سازمان یافته درآمد و لشگرهای سابق بصورت تیپ و هر تیپ شامل سه و یا فقط دو هنگ میشد . بخشی از واحدهای گومیندان که در شمال رودخانه زرد مستقر بودند ، تجدید سازمان نیافتند و اسامی خویش را حفظ کردند . بعداً بعضی از لشگرهایی که تجدید سازمان یافته بودند ، همان نام سابق سپاه را گرفتند .

۳ - واحدهای پلیس ارتباطات گومیندان در مارس ۱۹۴۵ تشکیل شدند . واحدهای مذکور پس از تسلیم شدن ژاپن بیپایه نگهبانی خطوط راه آهن در طول راههای ارتباطی برای " خدمات پادگانی " گماشته شدند ، ولی در واقع به فعالیت‌های پلیس مخفی میپرداختند . این یکی از نیروهای بود که گومیندان در جنگ داخلی بکار میبرد . - مترجم

۴ - در ژوئیه سال ۱۹۴۶ واحدهای گومیندان به تعرض پرادمانه‌ای بر علیه منطقه آزاد شده جیان سو-ان هوی پرداختند و نیروهای مادیرانه از خود دفاع نمودند . نیروهای دشمن که به منطقه آزاد شده جیان سوی مرکزی حمله میکردند ، مرکب بودند از ۱۵ تیپ ، یعنی تقریباً ۱۲۰,۰۰۰ تن ، تحت فرماندهی تان ژن یوه . از ۱۳ ژوئیه تا ۲۷ اوت ، ۱۸ هنگ از ارتش آزادیبخش توده‌ای چین شرقی ، بفرماندهی سو یو ، تن جن لین و رفقای دیگر نیروهای متفوقی متمرکز ساختند و متوالیاً به هفت نبرد در مناطق تای سین ، ژو گائو ، حای ان و شائو یوه واقع در جیان سوی مرکزی دست زدند ، ۶ تیپ دشمن و ۵ واحد از پلیس ارتباطات دشمن را نابود ساختند . نتیجه دو نبرد از این نبردهاست که در اینجا ذکر شده است .

۵ - در اوت ۱۹۴۶ نیروهای گومیندان از شهرهای سیوجو و جن جو حرکت کردند تا در دو ستون به منطقه آزاد شده شانسی - حه به - شاندون - حه نان حمله کنند . ارتش آزادیبخش توده‌ای این منطقه ، تحت فرماندهی لیو یوه چن ، دن سیائو پین و رفقای دیگر ، بمنظور نبرد با ستونی از دشمن که از جن جو حرکت کرده بود ، نیروهای برتر را متمرکز ساخت و از ۳ تا ۸ سپتامبر چهار تیپ دشمن را متوالیاً در ناحیه حه زه ، دین تائو و تسائو سیان از شاندون نابود نمود .

۶ - در دهه اول ژوئن ۱۹۴۶ ، ارتش آزادیبخش توده‌ای شاندون به لشگرکشی کیفری علیه واحدهای پوشالی که در طول خطوط راه آهن چینگ دائو - جی نان ، تیائوزین - پوکو پخش بودند ، دست زد و متوالیاً بیش از ده شهر کوچک و از آنجمله جیانو سیان ، جان دیان ، جو تسون ، ده جو ، تای ان و زائو جوان را آزاد ساخت .

۷ - از ۱۰ تا ۲۱ اوت ۱۹۴۶ ، ارتش آزادیبخش توده‌ای شانسی - حه به - شان‌دون - حه نان بمنظور همسوئی عملیات خویش با ارتش آزادیبخش توده‌ای دشتهای مرکزی و چین شرقی در چندین ستون بر واحدهای دشمن که در طول منطقه کای فون - سیو جو از خط لون‌های مستقر شده بودند ، حمله ورگشت و متوالیاً بیش از ده شهر کوچک و از آنجمله نان‌شان ، لان فون ، حوان کور ، لی جوان ویان جی را متصرف شد .

۸ - در ژوئیه ۱۹۴۶ نیروهای گومیندان بفرماندهی حو زون نان و نیروهای تحت فرماندهی ین سی شان متفقاً به منطقه آزاد شده جنوب شانسی حمله کردند . واحدهای ارتش آزادیبخش توده‌ای شانسی - حه به - شان‌دون - حه نان که در تالی یوه مستقر بودند ، باتفاق بخشی از ارتش آزادیبخش توده‌ای شانسی - سوی‌یوان به حمله متقابل پرداختند و دشمن را از جنوب شانسی عقب راندند . در ماه اوت واحدهای مذکور بر ضد دشمن که در طول منطقه لین فن - این شی از خط داتون - پو جو مستقر بود ، به تعرض پرداختند و متوالیاً شهرهای حون دون ، جائو چن ، حوه سیان ، لین شی و فن سی را آزاد ساختند .

۹ - در جریان جنگ آزادیبخش توده‌ای ، عده‌ای از مالکین و مستبدین محلی نواحی آزاد شده بسوی مناطق گومیندان میگریختند . گومیندان آنها را بصورت دارودسته‌های ارتجاعی مسلح از قبیل " گروههای بازگشت به موطن " ، " واحدهای بازگشت به موطن " و غیره سازمان میداد که در حمله به نواحی آزاد شده همراه سپاهیان گومیندان بودند . این دارودسته‌ها در همه جا دست به غارت و چپاول میزدند ، میکشند و از هیچگونه جنایتی رونمیگرداندند .

حقایقی در باره "وساطت" آمریکا و آینده جنگ داخلی چین

— مصاحبه با روزنامه‌نگار آمریکائی آ.ت. استیل

(۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶)

آ.ت. استیل : آیا بعقیده شما کوشش آمریکا در وساطت در جنگ داخلی چین با شکست روبرو شده است ؟ اگر سیاست آمریکا در آینده همان باشد که اکنون هست به کجا منجر خواهد شد ؟

ماتوتسه دون : من بسیار تردید دارم که سیاست دولت آمریکا سیاست "وساطت" باشد (۱) . آمریکا کمک عظیمی به چانکایشک میدهد تا وی بتواند جنگ داخلی را بعقیاس بی سابقه توسعه بخشد . اگر از روی این واقعیت قضاوت کنیم سیاست دولت آمریکا اینست که از وساطت ادعائی خود بعنوان پوششی برای تحکیم همه‌جانبه موقعیت چانکایشک بهره بردارد و با سیاست چانکایشک که سیاست کشتار است نیروهای دموکراتیک چین را سرکوب کند بطوری که چین بصورت مستعمره آمریکا در آید . ادامه چنین سیاستی بیگمان مقاومت مصممانه کلیه میهن پرستان چین را بر خواهد انگیخت .

پرسش : جنگ داخلی چین تا کی بطول خواهد انجامید و سرانجام آن چه خواهد بود ؟

پاسخ : اگر دولت آمریکا از سیاست کنونی خویش که مبنی بر کمک به چانکایشک است چشم پپوشد ، نیروهای خود را از خاک چین بیرون بکشد و قراردادی را که در کنفرانس وزیران امور خارجه شوروی ، آمریکا و انگلستان در مسکو منعقد شده است (۲) اجرا کند ، بیشک پایان جنگ داخلی چین نزدیک خواهد بود . در غیر این صورت ممکن است بصورت جنگی طولانی در آید که در نتیجه آن مسلماً خلق چین مصائب بسیار خواهد دید ولی در عین حال بی خلل متحد خواهد شد ، از موجودیت خویش دفاع خواهد کرد و خود سرنوشت خویش را بدست خواهد گرفت . دشواریها و رنجهای این راه هر چه باشد خلق چین بیگمان وظیفه خویش را در نیل به استقلال ، صلح و دموکراسی انجام خواهد داد . هیچ نیروی قهاری ، چه داخلی و چه خارجی ، نمیتواند از تحقق این وظیفه جلوگیرد .

پرسش : آیا شما چانکایشک را " پیشوای طبیعی " خلق چین میشمارید ؟ آیا حزب کمونیست چین پنج مطالبه (۳) چانکایشک را در هر شرایطی رد خواهد کرد ؟ اگر گومیندان در صدد برآید که مجلسی ملی بدون شرکت حزب کمونیست چین دعوت کند (۴) حزب کمونیست چه خواهد کرد ؟

پاسخ : در هیچ جای جهان " پیشوای طبیعی " وجود ندارد . اگر چانکایشک مسائل سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و سایر مسائل چین را بر طبق موافقتنامه ستارکه (۵) که در ژانویه گذشته بامضاء رسیده و بر طبق قطعنامه های مشترکی که در آن موقع از تصویب کنفرانس

سیاسی مشورتی گذشته است (۶) و نه بر طبق "پنج مطالبه" یا ده مطالبه که یکطرفه و مخالف موافقتنامه و قطعنامه‌های مشترک هستند حل کند ما همیشه حاضریم با او همکاری کنیم. مجلس ملی باید بر طبق قطعنامه‌های مصوب کنفرانس سیاسی مشورتی با شرکت احزاب مختلف سیاسی دعوت شود. در غیر این صورت ما مصممانه با آن بمخالفت خواهیم برخاست.

یادداشتها

۱ - در دسامبر ۱۹۴۵ دولت آمریکا ژرژ. س. مارشال را بعنوان نماینده خاص رئیس جمهور به چین فرستاد و از "وساطت در مخاصمات میان گومیندان و حزب کمونیست چین" بعنوان پوششی برای تحکیم همه جانبه نیروهای تجاوزکار آمریکا و سلطه مرتجعان گومیندان استفاده کرد. چانکایشک با تلقین امپریالیسم آمریکا بمنظور دفع الوقت برای تدارک جنگ داخلی چین نشان داد که خواست حزب کمونیست چین و خلق چین را در قطع جنگ داخلی میپذیرد. در ژانویه ۱۹۴۶ نمایندگان دولت گومیندان و حزب کمونیست چین موافقتنامه متارکه امضاء کردند، فرمان آتش بس منتشر ساختند و "کمیسیون سه گانه" و "ستاد اجرایی بی بین" را با شرکت نمایندگان آمریکا تشکیل دادند. مارشال در دوره "وساطت" خویش بهر حیل‌های متوسل شد تا به نیروهای گومیندان در حمله به مناطق آزاد شده، نخست در چین شمال شرقی و سپس در چین شمالی، شرقی و مرکزی کمک کند. وی مجدانه به تعلیم و تجهیز سپاهیان گومیندان پرداخت و مقدار عظیمی اسلحه و سایر مواد جنگی به چانکایشک داد. در ماه ژوئن ۱۹۴۶ چانکایشک ۸۰ درصد نیروهای منظم گومیندان (بالغ بر ۲ میلیون نفر) را در جیبه حمله بر مناطق آزاد شده گرد آورده بود. بیش از ۵۴۰,۰۰۰ نفر از این سپاهیان مستقیماً بوسیله کشتی‌های جنگی و هواپیماهای قوای مسلح آمریکا حمل و نقل شده بودند. در ماه ژوئیه، چانکایشک که آرایش قوای خود را پایان رسانیده بود به جنگ ضد انقلابی بمقیاس ملی دست زد. سپس ژرژ مارشال و ل. استوارت، سفیر آمریکا در چین در

۱۰ اوت به انتشار اظهاریه مشترکی پرداخته شکست "وساطت" را اعلام داشتند تا به چانکایشک آزادی کامل برای جنگ داخلی بدهند.

۲ - اشاره است به قرارداد مربوط به چین که در دسامبر ۱۹۴۵ در کنفرانس وزیران امور خارجه اتحاد شوروی، آمریکا و انگلستان در مسکو منعقد شد. سه وزیر امور خارجه در اعلامیه کنفرانس "موافقت خود را با سیاست عدم مداخله در امور داخلی چین تأیید میکردند". وزیران امور خارجه اتحاد شوروی و آمریکا موافقت کردند که نیروهای شوروی و آمریکا باید هرچه زودتر از چین خارج شود. اتحاد شوروی این قرارداد را صدیقانه مراعات کرد. فقط در اثر تقاضای مکرر دولت گومیندان بود که نیروهای شوروی امر تخلیه را بمقتب انداختند. در ۳ مه ۱۹۴۶ تخلیه نیروهای مسلح اتحاد شوروی از چین شمال شرقی پایان رسید. اما دولت آمریکا هیچیک از وعدههای خود را نگه نداشت، از تخلیه نیروهای خود امتناع ورزید و مداخله خویش را در امور داخلی چین شدت داد.

۳ - چانکایشک دوبار، یکی در ژوئن و دیگری در اوت ۱۹۴۶، "پنج مطالبه" خویش را نزد حزب کمونیست چین فرستاد و اظهار داشت که گومیندان به قطع جنگ داخلی رضایت نخواهد داد مگر آنکه حزب کمونیست چین آنها را بپذیرد. پنج مطالبه مذکور متضمن آن بود که ارتش آزادیبخش توده‌ای چین نقاط زیرین را تخلیه کند: ۱ - کلیه مناطق جنوب راه آهن لون های؛ ۲ - تمام خط آهن چینگ دائو - جی نان؛ ۳ - چن ده و منطقه جنوب این شهر؛ ۴ - قسمت اعظم چین شمال شرقی؛ ۵ - کلیه مناطقی که از ۷ ژوئن ۱۹۴۶ بپس در استانهای شان دون و شان سی بوسیله نیروهای مسلح توده‌ای مناطق آزاد شده از تسلط سپاهیان پوشالی آزاد گردیده بود. حزب کمونیست چین همه این مطالبه ضد انقلابی را بکلی رد کرد.

۴ - طبق تصمیم کنفرانس سیاسی مشورتی که در ژانویه ۱۹۴۶ تشکیل شد مجلس ملی میبایست مجلسی دموکراتیک و مبتنی بر وحدت باشد که احزاب مختلف سیاسی در آن شرکت جویند و نمیبایست دعوت شود مگر بعد از اجرای موافقت‌نامه‌هایی که در کنفرانس سیاسی مشورتی بتصویب رسیده است، زیر نظر دولتی که تجدید سازمان شده باشد. روز ۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ سپاهیان گومیندان جان چیا کو را اشغال کردند. این "پیروزی" موجب سرگیجه دارودسته چانکایشک شد. بعد از ظهر همان روز دارودسته چانکایشک مواد قطعه‌نامه کنفرانس سیاسی مشورتی را خودسرانه نقض و فرمان دعوت "مجلس ملی" تفرقه افکن، استبداد منشر و تحت

- نظارت انحصاری گومیندان را صادر کردند . این "مجلس ملی" که روز ۱۵ نوامبر ۱۹۴۶ رسماً در فانکن گشایش یافت از طرف حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک و قاطبه خلق چین مورد اعتراض شدید قرار گرفت و تحریم شد .
- ۵ - مراجعه شود به « تعرض پانکایشک را با جنگ دفاع از خود در هم بشکنیم » ، یادداشت ۱ ، جلد حاضر .
- ۶ - همانجا ، یادداشت ۲ ، جلد حاضر .

ترازنامه سه ماهه

(۱ اکتبر ۱۹۴۶)

- ۱ - رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۲۰ ژوئیه در باره اوضاع کنونی (۱) تصریح میکند: "ما میتوانیم بر چانکایشک پیروز شویم. تمام حزب باید نسبت باین موضوع اطمینان کامل داشته باشد." نبردهای ژوئیه، اوت و سپتامبر صحت این حکم را ثابت کرده‌اند.
- ۲ - صرفنظر از تضادهای اساسی سیاسی و اقتصادی که چانکایشک قادر بحل آنها نیست و علت اصلی پیروزی حتمی ما و شکست ناگزیر

متن حاضر رهنمودی است برای حزب که از طرف رفیق مائو سه دون برای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه و تدوین شده است. این رهنمود تجارب سه ماه نبرد را که پس از آغاز جنگ داخلی در مقیاس ملی در ژوئیه ۱۹۴۶ روی داد، بتفصیل ترازبندی میکند، اصول عملیاتی و وظایف آتی نظامی ارتش آزادیبخش توده‌ای را مطرح مینماید و خاطر نشان میسازد که ما پس از گذشتن از دوره دشواریها در جنگ آزادیبخش توده‌ای حتماً پیروزی را بدست خواهیم آورد. این سند همچنین مسایل را که برای پشتیبانی و همسوئی با جنگ آزادیبخش توده‌ای ضرورتاً میبایستی حل کند، مانند اصلاحات ارضی، بسط تولید در مناطق آزادشده، تقویت رهبری در مبارزات توده‌ای در مناطق تحت حکومت گومیندان و سایر مسایل مربوطه، بطور اصول تشریح میکند.

چانکایشك محسوب میشوند ، در عرصه نظامی بین خط جبهه چانکایشك که بیش از اندازه گسترش یافته و کمبود سپاهیان وی ، تضاد حادی بروز کرده است . این تضاد مسلماً علت مستقیم پیروزی ما و شکست چانکایشك خواهد شد .

۳ - مجموعه سپاهیان منظم چانکایشك که به مناطق آزاد شده حمله میکنند ، بدون در نظر گرفتن واحدهای پوشالی ، واحدهای امنیت عمومی و واحدهای پلیس ارتباطات ، به صد و نود و چند تیپ بالغ میگردد . بغیر از این عده ، دشمن میتواند حداکثر بخشی از سپاهیان خود را بعنوان نیروهای امدادی از جنوب بشمال انتقال دهد ، ولی پس از آن اعزام هر گونه نیروی امدادی دیگری برای او دشوار خواهد بود . از این صد و نود و چند تیپ ، ۲۵ تیپ آن در ظرف سه ماه اخیر از طرف ما نابود شده‌اند . این عدد شامل آن نیروهائی نیست که ما از فوریه تا ژوئن در شمال شرقی نابود ساخته‌ایم .

۴ - تقریباً نیمی از این صد و نود و چند تیپ چانکایشك باید وظایف پادگانی انجام بدهند ، فقط کمی بیش از نصف آنها میتوانند به عملیات صحرائی پردازند . وقتیکه نیروهای صحرائی باین یا آن منطقه برسند ، ناگزیر قسمتی از آنها و یا اکثرشان به وظایف پادگانی گماشته خواهند شد . پس تعداد نیروهای صحرائی دشمن در حالیکه جنگ ادامه مییابد ، اجباراً بتدریج کاهش مییابد زیرا از یکطرف ما پیوسته آنها را نابود میسازیم و از طرف دیگر بسیاری از آنها باید به انجام وظایف پادگانی پردازند .

۵ - از ۲۵ تیپی که ما در عرض سه ماه اخیر نابود ساختیم ، ۷ تیپ بفرماندهی تان نُن بوه (سابقاً بفرماندهی لی مو ان) بود ، ۲ تیپ

بفرماندهی سیوه یوه ، ۷ تیمپ بفرماندهی گو جو تون (سابقاً بفرماندهی لیو جی) ، ۲ تیمپ بفرماندهی حوزون نان ، ۴ تیمپ بفرماندهی ین سی شان ، ۳ تیمپ بفرماندهی وان یائو او و یک تیمپ بفرماندهی دو یو مین . فقط چهار گروه تحت فرمان لی زون ژن ، فوزه ای ، ما هون کوی و چن چیان هنوز از ارتش ما ضربات کاری نخورده‌اند . بر بقیه ۷ گروه ضربات نسبتاً سنگین و یا سبک وارد آمده است . گروه‌هایی که ضربات سنگین دیده‌اند ، عبارتند از گروه‌های دو یو مین (با در نظر گرفتن نبردهایی که از فوریه تا ژوئن سال جاری در شمال شرقی روی داده) ، تان ئن بوه ، گو جو تون و ین سی شان . آنهایی که ضربات نسبتاً سبک خورده‌اند ، عبارتند از گروه‌های سیوه یوه ، حوزون نان و وان یائو او . همه اینها ثابت میکنند که ارتش ما میتواند بر چانکایشک پیروز شود .

۶ - وظیفه ما در دوره آینده عبارت از اینست که ۲۵ تیمپ دیگر از دشمن را نابود کنیم . انجام این وظیفه بما امکان خواهد داد که تعرض چانکایشک را متوقف سازیم و بخشی از سرزمینهای از دست رفته را بازستانیم . میتوان پیش‌بینی کرد که ارتش ما پس از نابود ساختن ۲۵ تیمپ دیگر از دشمن بطور قطعی خواهد توانست ابتکار استراتژیک را بدست آورد و از دفاع به تعرض پردازد . در آنموقع وظیفه ما نابود ساختن سومین ۲۵ تیمپ دشمن خواهد بود . اگر ما در این کار موفق شویم ، خواهیم توانست بخش بزرگی از سرزمینهای از دست رفته و حتی تمام آنها را دو یاره بازستانیم و مناطق آزاد شده را توسعه بخشیم . و آنگاه مسلماً تغییری شگرف در تناسب قوای نظامی بین گویندیان و حزب کمونیست روی خواهد داد . برای نیل باین هدف باید موفقیت‌های برجسته سه ماه اخیر ، یعنی نابودی ۲۵ تیمپ دشمن را ادامه دهیم و در حدود ۲۵ تیمپ

دیگر از دشمن را در عرض سه ماه آینده نابود کنیم . کلید تغییر تناسب قوا بین دشمن و ما در اینجاست (۲) .

۷ - در عرض این سه ماه اخیر ما چند ده شهر کوچک و متوسط مانند هوای بین ، حه زه ، چن ده و جی نین را از دست دادیم . ترك اغلب این شهرها ناگزیر بود و ترك موقتی آنها بابتکار خودمان نیز صحیح بود . پاره‌ای از این شهرها را ما مجبور شدیم که ترك بگوئیم زیرا خوب نجنگیده بودیم . بهر حال ما خواهیم توانست سرزمینهای از دست رفته را باز ستانیم ، مشروط بر اینکه خوب بجنگیم . ممکن است که در آینده نیز نتوانیم از اشغال بعضی سرزمینها بوسیله دشمن جلوگیری کنیم ولی بعداً خواهیم توانست همه آنها را باز ستانیم . کلیه مناطق باید به بررسی انتقادی تجارب نبردهای خویش پردازند تا از آن درس گیرند و از تکرار اشتباهات پرهیزند .

۸ - در عرض این سه ماه اخیر ، ارتش آزادیبخش دشتهای مرکزی در غلبه بر دشواریها و سختیها استقامت بیسابقه‌ای از خود نشان داده است . بغیر از بعضی از این ارتش که به مناطق آزاد شده قدیم وارد شده ، نیروهای عمده‌اش دو پایگاه پارتیزانی در جنوب شنسی و مغرب حوبه ایجاد کرده‌اند (۳) . بعلاوه واحدهای ما در مشرق و مرکز حوبه پیگیرانه بجنگ پارتیزانی ادامه میدهند . همه اینها به عملیات در مناطق آزاد شده قدیم کمک فراوان کرده و میکنند و نقش باز هم مهمتری در جنگ طولانی آینده ایفا خواهند کرد .

۹ - عملیات سه ماه اخیر ، چند دسته از واحدهای زبده‌ایرا که چانکایشک ابتدا در نظر داشت به شمال شرقی اعزام دارد ، در جنوب دیوار بزرگ میخکوب کرد و بالنتیجه ما در شمال شرقی فرصت یافتیم

که به استراحت و تقویت واحدهای خویش و بسیج توده‌ها پردازیم . این نیز برای مبارزات آتی ما دارای اهمیت بزرگی است .

۱۰ - تمرکز نیروهای برتر برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن ، یگانه شیوه صحیح نبرد است ، شیوه‌ای که ما در عرض سه ماه اخیر برای نابود ساختن ۲۵ تیپ دشمن بکار بردیم . فقط با تمرکز نیروهائی که شش ، پنج ، چهار و یا لااقل سه برابر نیروهای دشمن باشند ، میتوانیم دشمن را بطور مؤثر نابود سازیم . این شیوه هم در عملیات اهراتیو و هم در عملیات تاکتیکی صادق است . فرماندهان ارشد و همچنین کادرهای متوسط و پائین باید این شیوه نبرد را عمیقاً فراگیرند .

۱۱ - ارتش ما در عرض سه ماه اخیر علاوه بر ۲۵ تیپ منظم دشمن ، تعداد قابل توجهی از نیروهای ارتجاعی مانند واحدهای پوشالی ، واحدهای امنیت عمومی و واحدهای پلیس ارتباطات را نیز نابود ساخته است . این نیز موفقیت بزرگی است . ما باید همچنان به نابود ساختن تعداد کثیری از اینگونه نیروهای ارتجاعی ادامه دهیم .

۱۲ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که نابود ساختن ۱۰۰۰۰ سرباز دشمن بقیمت از دست دادن ۲،۰۰۰ یا ۳،۰۰۰ نفر از سربازان خودی تمام میشود . و این امری اجتناب ناپذیر است . برای از پیش بردن جنگ طولانی (در کلیه مناطق باید همه چیز را با محاسبه چنین جنگی مورد نظر قرار داد) باید ارتش را در آینده منظم‌تر توسعه داد ، نیروهای عمده را پیوسته تکمیل کرد و تعداد کثیری کادرهای نظامی تربیت نمود . ما باید طبق نقشه معین امور تولیدی را رونق بخشیم و امور مالی را منظم گردانیم و برای این کار باید اصول زیرین را با قطعیت بکار ببریم ؛ توسعه اقتصاد و تأمین نیازسندیها ، رهبری

واحد و اداره غیرمتمرکز، ملحوظ داشتن نیازمندیهای ارتش و همچنین نیازمندیهای اهالی، ملحوظ داشتن منافع عمومی و همچنین منافع فردی.

۱۳ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که واحدهائی که هنگام وقفه عملیات از ژانویه تا ژوئن، طبق رهنمودهای کمیته مرکزی (که بارها بمناطق مختلف سفارش میکرد تعلیمات نظامی، کار تولیدی و اصلاحات ارضی را سه وظیفه مرکزی خود بشمارند) مساعی خویش را جهت تعلیمات نظامی افزایش داده‌اند، در نبرد به نتیجه بمراتب بهتری از واحدهائی که باین کار نپرداخته‌اند، رسیده‌اند. از این پس در همه مناطق باید از فواصل بین نبردها برای افزایش تعلیمات نظامی استفاده شود. کار سیاسی باید در کلیه واحدهای ارتش تقویت یابد.

۱۴ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که در هر جا که «رهنمود ۴ مه» (۴) کمیته مرکزی با قطعیت و با سرعت بکار برده شده و مسئله ارضی بطور ریشه‌ای و کامل حل گشته است، دهقانان در کنار حزب و ارتش ما قرار گرفته‌اند و در برابر حملات سپاهیان چانکایشک بمقاومت پرداخته‌اند. اما در هر جا که «رهنمود ۴ مه» با قطعیت بکار برده نشده، در هر جا که اقدامات لازم در اجرای آن با تأخیر زیاد صورت گرفته، و یا در هر جا که کار در این زمینه بطور مکانیکی بمراحل مختلف تقسیم شده و یا اصلاحات ارضی پیهانه گرفتاریهای نظامی از دیده فرو گذاشته شده است، دهقانان در حالت انتظار مانده‌اند. در ماههای آینده کلیه مناطق هر قدر هم که گرفتار جنگ باشند، باید توده‌های دهقانان را در حل مسئله ارضی با قطعیت رهبری کنند و بر اساس اصلاحات ارضی دست با اقداماتی بزنند که تولید را در سال آینده بمقیاس وسیع توسعه بخشد.

- ۱۵ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که در هر جا که نیروهای مسلح محلی مشتمل بر دستجات چریک توده‌ای ، واحدهای پارتیزانی و گروه‌های مسلح کار بخوبی سازمان یافته‌اند ، ما توانسته‌ایم بر مناطق روستائی وسیعی نظارت داشته باشیم ، اگر چه بسیاری از نقاط و خطوط آن سرزمین‌ها موقتاً در تصرف دشمن بودند . اما در هر جا که نیروهای مسلح محلی ضعیف بودند و رهبری آنها تعریفی نداشت ، شرایط مساعدی برای دشمن فراهم گردید . از این بپس ما باید رهبری حزب را تقویت کنیم ، در کلیه مناطقی که موقتاً بوسیله دشمن اشغال شده‌اند ، نیروهای مسلح محلی را توسعه بخشیم ، جنگ پارتیزانی را پیگیرانه تعقیب کنیم ، از منافع توده‌ها دفاع نمائیم و فعالیت مرتجعین را خنثی سازیم .
- ۱۶ - سه ماه جنگ ، نیروهای ذخیره گومیندان را تقریباً تحلیل برده و از قدرت نظامی او در مناطق تحت حکومتش بسیار کاسته است . در عین حال گومیندان دو باره به سربازگیری و وصول مالیات جنسی (۵) پرداخته و این امر موجب ناخشنودی اهالی گردیده‌است و باین طریق زمینه بسط و توسعه مبارزه توده‌ای را مساعد ساخته‌است . تمام حزب باید رهبری مبارزات توده‌ای را در مناطق تحت حکومت گومیندان تقویت کند و بر مساعی خویش برای از هم پاشیدن ارتش گومیندان بیفزاید .
- ۱۷ - مرتجعین گومیندان با اشاره آمریکا موافقت‌نامه ستارک و قطعنامه‌های کنفرانس مشورتی سیاسی ژانویه سال جاری را نقض کرده‌اند و بقصد نابود ساختن نیروهای دموکراتیک توده‌ای تصمیم به برانگیختن جنگ داخلی گرفته‌اند . همه سخنان زیبای آنان چیزی جز فریب و نیرنگ نیست . ما باید کلیه دسایس آمریکا و چانکاپشک را افشا کنیم .
- ۱۸ - در عرض این سه ماه ، در مناطق گومیندان ، وسیعترین

قشرهای خلق و از آنجمله بورژوازی ملی سرعت و بهتر دریافتند که گویندگان و دولت آمریکا با همدستی یکدیگر عمل میکنند و جنگ داخلی را برانگیخته و خلق را مورد ظلم و ستم قرار داده‌اند. تعداد کسانی که باین حقیقت پی می‌برند که میانجیگری مارشال، نیرنگ است و گویندگان جنایتکار شماره یک جنگ داخلی است، روز بروز افزایش می‌یابد. توده‌های وسیع که تصورات واهی خود را نسبت به آمریکا و گویندگان بدور افکنده‌اند، اینک به پیروزی حزب ما امیدوار گشته‌اند. این وضعیت سیاسی داخلی وضعیت بسیار مساعدی است. سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا روز بروز بیشتر موجب ناخشنودی توده‌های وسیع خلق‌های کشورهای جهان می‌گردد. سطح آگاهی سیاسی خلقها بطور روزافزون بالا می‌رود. مبارزات دموکراتیک خلق‌ها در کلیه کشورهای سرمایه‌داری چنان بسط و توسعه می‌یابد و احزاب کمونیست کشورهای مختلف چنان نیروهای خود را افزایش داده‌اند که مرتجعین دیگر قادر به مهار کردن آنها نخواهند بود. قدرت اتحاد شوروی و حیثیت او در میان خلقها روز بروز بیشتر میشود. مرتجعین آمریکائی و مرتجعین تحت‌الحمایه آنها در کشورهای دیگر ناگزیر روز بروز منقرض‌تر خواهند گشت. این وضعیت سیاسی بین‌المللی وضعیت بسیار مساعدی است. اوضاع داخلی و بین‌المللی با اوضاع پس از جنگ جهانی اول بسیار فرق میکند. از جنگ جهانی دوم باینطرف، نیروهای انقلابی بشدت افزایش یافته‌اند. ما قادریم بر مرتجعین چینی و بیگانه هر قدر هم که شرور باشند (این شرارت از لحاظ تاریخی، اجتناب‌ناپذیر است و بهیچوجه تعجیبی ندارد) پیروز شویم. رفقای رهبر در کلیه مناطق باید بان عده از رفقای حزبی که در اثر عدم درک کافی وضعیت مساعد داخلی و بین‌المللی، آینده مبارزه را

تاریک می بینند ، این مسئله را عمیقاً توضیح دهند . باید بخوبی در مد نظر داشت که دشمن هنوز قدرت دارد و ما هنوز دارای نقاط ضعفیم و مبارزه همچنان دیرپای و رنجبار است . ولی بیگمان ما میتوانیم پیروز شویم . این درك مسایل و این ایمان باید در سراسر حزب ما عمیقاً جایگیر شود .

۱۹ - چند ماه آینده دوره سهم و دشواری خواهد بود . ما باید فعالانه به بسیج سراسر حزب و به عملیات نظامی که دقیقاً تدارك دیده شده اند ، پردازیم تا آنکه تغییری بنیادی در وضعیت نظامی بوجود آوریم . همه مناطق باید رهنمودهای فوق را با قطعیت بموقع اجرا بگذارند و برای اینکه چنین تغییری در وضعیت نظامی ایجاد کنند ، مبارزه نمایند .

یادداشتها

- ۱ - اشاره است به « تعرض چانکایشك را با جنگ دفاع از خود در هم بشکنیم » ، جلد حاضر .
- ۲ - تکوین حوادث بعدی نشان داد که تناسب قوا بین دشمن و ما در ژوئیه ۱۹۴۷ رو بتغییر نهاد ، یعنی از موقعیکه ارتش آزادیبخش توده‌ای شانسی - حبه به - شان دون - حه‌نان از رودخانه زرد بزور گذشت و بسوی کوه دابیه پیش رفت . ارتش آزادیبخش توده‌ای در این تاریخ مدت دوازده ماه نبرد کرد ، و قریب ۱۰۰ تیپ دشمن را نابود ساخت که بطور متوسط ماهیانه ۸ تیپ میشود . رقم مذکور بیش از پیش‌بینی‌ایست که در این ترازنامه آمده زیرا که چانکایشك بکمک امپریالیسم آمریکا همه نیروهائی را که در اختیار داشت ، برای تعرض بکار برده بود .
- ۳ - در اواخر ژوئن سال ۱۹۴۶ ارتش آزادیبخش توده‌ای دشتهای مرکزی ، فرماندهی لی سیان نیان ، جن وی سان و سایر رفقا که در محاصره ۵۰۰ و ۳۰۰

سرباز گومیندان افتاده بود ، بابتکار خود به انتقال استراتژیک دست زد و پیروزمندان از محاصره دشمن درآمد . واحدهائی که رفیق مائو تسه دون نام برده و میگوید که بمناطق آزاد شده قدیم وارد شده‌اند ، واحدهای تحت فرماندهی وان جن و سایر رفقا بودند که پس از در هم شکستن محاصره دشمن به ناحیه مرزی شنسی - گانسو - نین سیا وارد شده بودند . منظور از پایگاه پارتیزانی جنوب شنسی پایگاهی است که بوسیله بخشی از نیروهای عمده ارتش آزادیبخش توده‌ای دشتهای مرکزی برپا شد . پایگاه مذکور شامل میشد برلوشی ، صی چوان در غرب حه‌نان ، و لوه نان و شان یان در جنوب شنسی . منظور از پایگاه پارتیزانی در مغرب حوبه پایگاهی است که بوسیله بخشی دیگر از همین ارتش برپا شد و مرکزش کوه اودان در شمال غربی حوبه بود .

۴ - اشاره است به « رهنمود در باره مسئله ارضی » که در ۴ مه ۱۹۴۶ از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین صادر شد . کمیته مرکزی پس از تسلیم ژاپن با توجه به خواست مبرم دهقانان در بدست آوردن زمین ، تصمیم گرفت که آن سیاست ارضی را که در زمان جنگ مقاومت تدوین کرده بود ، عوض کند یعنی بجای سیاست تقلیل بهره مالکانه و تقلیل ربح ، سیاست مصادره ارضی مالکان ارضی و تقسیم آنها را بین دهقانان در پیش گیرد . « رهنمود ۴ مه » نشانه این تغییر بود .

۵ - اشاره است به مالیات ارضی که بصورت غلات وصول میشد .

درود بر اعتلاء نوین انقلاب چین

(۱ فوریه ۱۹۴۷)

۱ - اکنون کلیه احوال نشان میدهد که وضعیت چین به مرحله نوینی از تکامل خویش میرسد. این مرحله نوین مرحله‌ای خواهد بود که در آن مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی بمقیاس ملی به یک انقلاب بزرگ توده‌ای نوین رشد و تکامل مییابد. ما در استانه این انقلابیم. وظیفه حزب ما عبارتست از تسریع اعتلاء انقلاب و پیروزی آن.

۲ - از هم‌اکنون وضعیت جنگی در جهت مساعد خلق تحول مییابد. ما در عرض ۷ ماه نبرد، از ژوئیه گذشته تا ژانویه اسسال، ۵۶ تیپ از نیروهای منظم چانکایشک را که بمناطق آزادشده هجوم آورده بودند، یعنی ماهیانه بطور متوسط ۸ تیپ را نابود ساخته‌ایم، و این غیر از تعداد فراوانی از سپاهیان پوشالی و گارد امنیت عمومی است که نابود شده‌اند و غیر از سایر نیروهای منظم چانکایشک است که هزیمت یافته‌اند. تعرض چانکایشک در شان دون جنوبی و غربی، در منطقه مرزی

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائو سه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است.

شنسی - گان سو - نین سیا ، در طول بخش شمالی راه آهن بی پین - حان کو و در منچوری جنوبی ادامه دارد ولی نسبت به پائیز گذشته خیلی ضعیفتر شده است . چانکایشک باندازه کافی سرباز در اختیار ندارد و نمیتواند تعداد نفرات خود را بعدی که در سربازگیری پیشبینی کرده است برساند . و این امر با خطوط دراز جبهه‌های او و تلفات عظیمش در تضاد جدی است . روحیه ارتش او هر روز بیشتر پائین میآید . روحیه بسیاری از واحدهایش در طی نبردهای جدید در جیان سوی شمالی ، شان دون جنوبی و غربی ، شان سی غربی بسطع بسیار نازلی تنزل کرد . در چندین جبهه ، ارتشهای ما در حال بدست گرفتن ابتکار و ارتشهای چانکایشک در حال از دست دادن آن اند . میتوان پیشبینی کرد که ما در عرض چند ماه آینده خواهیم توانست به هدف خویش نائل آییم یعنی با حساب تیپ‌هائی که تاکنون نابود ساخته‌ایم ، مجموعاً ۱۰۰ تیپ چانکایشک را نابود سازیم . چانکایشک مجموعاً ۹۳ لشکر (سپاه) منظم پیاده و سوار دارد که مرکب است از ۲۴۸ تیپ (لشکر) و رویهمرفته ۱,۹۱۶,۰۰۰ نفر میشود . و این غیر از سپاهیان پوشالی ، پلیس ، گاردهای محلی امنیت عمومی ، واحدهای پلیس ارتباطات ، دوائر کاربردازی و واحدهای فنی است . نیروهائی که در حمله بر مناطق آزادشده بکار افتاده‌اند ۷۸ لشکر (سپاه) اند مرکب از ۲۱۸ تیپ (لشکر) و مجموعاً ۱,۷۱۳,۰۰۰ تن یعنی تقریباً ۹۰ درصد سپاهیان منظم چانکایشک . در آن مناطق پشت جبهه که تحت نظارت چانکایشک میباشد بیش از ۱۵ لشکر باقی نیست که مرکب است از ۳۰ تیپ یعنی ۲۰۳,۰۰۰ نفر و تقریباً ۱۰ درصد سپاهیان منظم چانکایشک است . پس چانکایشک دیگر نمیتواند واحدهای مهمی که نبردآزمائی

شایسته‌ای داشته باشند از پشت جبهه برای حمله بر مناطق آزادشده بیاورد . از ۲۱۸ تیپی که در حمله بر مناطق آزاد شده بکار افتاده‌اند بیش از یک‌چهارم نابود شده است . اگر چه بعضی از تیپ‌ها نفرات خود را تکمیل کرده و پس از نابود شدن بهمان نام نخستین احیا شده‌اند ولی نبردآزمائیشان بسیار کم است . بعضی دیگر پس از تکمیل شدن دوباره نابود شده‌اند ، و بعضی دیگر حتی بتکمیل نفرات خویش نائل نیامده‌اند . هرگه ارتشهای ما بتوانند در طی چند ماه آینده بازهم . . . تا . . . تیپ را نابود سازند و باین طریق با حساب آنچه تاکنون نابود شده است مجموعاً . . . تیپ نابود شود تغییر سهمی در وضعیت جنگی روی خواهد داد .

۳ - در عین حال جنبش توده‌ای عظیمی در مناطق چانکاپشک در گسترش است . شورشهای توده‌ای در شانگهای که در اثر آنکه گویندان دستفروشان را مورد تعقیب و آزار قرار داد از . ۳ نوامبر سال گذشته آغاز شده است (۱) و جنبش دانشجویان بی پین که از . ۳ دسامبر همانسال در اثر آنکه دختر دانشجوی چینی بوسیله سربازان آمریکائی هتک عصمت شد برپا گشته است (۲) نشانه اوج جدید مبارزات توده‌ای در مناطق تحت نظارت چانکاپشک است . جنبش دانشجویان که در بی پین آغاز شد بسایر شهرهای بزرگ کشور سرایت کرده است و صدها هزار نفر در آن شرکت جسته‌اند . جنبش مذکور از حیث دامنه خود از جنبش دانشجویان که در ۹ دسامبر بر علیه امپریالیسم ژاپن برپا گردید (۳) در گذشته است .

۴ - پیروزیهای ارتش آزادیبخش توده‌ای در مناطق آزاد شده و گسترش جنبش توده‌ای در مناطق چانکاپشک نوید میدهد که بدون

شك انقلاب بزرگ توده‌ای نوین چین بر ضد امپریالیسم و ضد فئودالی نزدیک است ، انقلابیکه میتواند پیروز شود .

۵ - این وضعیت در حالی روی میدهد که امپریالیسم آمریکا و چاکر او چانکایشك بجای امپریالیسم ژاپن و چاکر او وان جین وی نشسته و سیاستی اتخاذ کرده‌اند که هدفش عبارتست از تبدیل چین به مستعمره آمریکا ، برانگیختن جنگ داخلی و تقویت دیکتاتوری فاشیستی . در برابر چنین سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانکایشك ، خلق چین چاره دیگری جز مبارزه نداشت . هنوز هم در دوره کنونی مبارزه در راه استقلال ، صلح و دموکراسی خواست اسامی خلق چین است . از همان آوریل ۱۹۴۵ هفتمین کنگره حزب ما که این سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانکایشك را پیش‌بینی میکرد مشی سیاسی همه جانبه و کاملاً درستی برای غلبه بر آن تنظیم نمود .

۶ - این سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانکایشك کلیه قشرهای توده‌ای چین را واداشته است که بخاطر نجات خویش با یکدیگر متحد شوند . این قشرها عبارتند از کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری ، بورژوازی ملی ، متنفذین روشنبین ، سایر میهن پرستان ، اقلیتهای ملی و چینیان ماوراء بحار . این جبهه‌ای است متحد و بسیار وسیع که تمام ملت را دربر میگیرد . این جبهه نه فقط باندازه جبهه متحد دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی وسیع است بلکه پایه‌هایی عمیق‌تر از آن دارد . همه رفقای حزبی باید برای تحکیم و توسعه این جبهه مبارزه کنند . در مناطق آزاد شده در عین حال که سیاست " زمین از آن کشتکار است " مصممانه و بسی هیچ تردید باید اجرا شود ، سیاست "سیستم سه ثلث" (۴) باید محفوظ بماند . ما باید مانند گذشته علاوه بر کمونیستها

عناصر مترقی خارج از حزب و عناصر وسط (مانند متنفذین روشنین) را که بسیارند در ارگانهای قدرت و سازمانهای اجتماعی شرکت دهیم . در مناطق آزاد شده کلیه افراد صرفنظر از تفاوت طبقاتی ، جنسی و معتقدات مذهبی حق دارند انتخاب کنند و انتخاب شوند ، بااستثنای خائنان و مرتجعان که بر ضد منافع خلق موضع گرفته و در معرض کینه تسکین ناپذیر وی قرار گرفته اند . پس از آنکه سیستم " زمین از آن کشتکار است " کاملاً اجرا گردید حق مالکیت خصوصی مانند گذشته برای خلق در مناطق آزاد شده تضمین خواهد شد .

v - از آنجا که دولت چانکایشک مدتهاست که سیاست مالی و اقتصادی ارتجاعی اجرا میکند ، و از آنجا که سرمایه بوروکراتیک - کمپرادور چانکایشک بموجب قرارداد رسوای بازرگانی چین و آمریکا (۵) که قرارداد خیانت ملی است با سرمایه اسپریالیستی آمریکا درهم آمیخته تورم خطرناکی بسرعت توسعه مییابد . صنعت و تجارت . بورژوازی ملی چین روز بروز بیشتر ورشکسته میشود ؛ وضعیت توده های زحمتکش ، کارمندان و معلمان روز بروز بدتر میشود ؛ بسیاری از عناصر طبقات متوسط شاهد آند که ذخائرشان رو بتحلیل میرود و تمام دارائی خویش را از دست میدهند ؛ و از اینجهت اعتصابات کارگران و دانشجویان و مبارزات دیگر پشت سرهم وقوع مییابد . بحرانی اقتصادی که وخاست آن در چین بی سابقه است همه قشرهای مردم را تهدید میکند . چانکایشک برای اینکه بتواند جنگ داخلی را ادامه دهد دو باره سیستم بسیار مضر سربازگیری و جمع غله را که در دوره جنگ مقاومت معمول بود برقرار ساخته و زندگی توده عظیم روستائیان و بویژه دهقانان بی برگ و نوا غیرممکن گردیده است . از اینجهت شورشهای توده ای از هم اکنون

آغاز شده و در حال گسترش است. بنابراین این دارودسته حاکم ارتجاعی چانکایشک هر روز بیشتر از نزد توده‌های وسیع خلق بی‌اعتبار خواهد شد و با بحران‌های وخیم سیاسی و نظامی درگیر خواهد بود. وضعیت موجود از یکطرف جنبش توده‌ای ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را در مناطق تحت نظارت چانکایشک هر روز پیشرفت میدهد و از طرف دیگر روحیه سپاهیان چانکایشک را هر روز خرابتر میکند و امکانات پیروزی ارتش آزادیبخش توده‌ای را افزایش میدهد.

۸ - مجلس ملی غیرقانونی که عامل تفرقه است و چانکایشک بمنظور منفرد ساختن حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک دعوت کرد، و همچنین آن باصطلاح قانون اساسی که مجلس مذکور ساخته و پرداخته است هیچ اعتباری در نزد خلق ندارند. آن مجلس و این قانون اساسی بجای آنکه موجب منفرد شدن حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک گردند، باعث منفرد شدن خود دارودسته حاکم چانکایشک گردیدند. حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک از شرکت در باصطلاح مجلس ملی خودداری ورزیدند، و این سیاست کاملاً صحیحی بود. دارودسته حاکم مرتجع چانکایشک حزب جوانان (۶) و حزب دموکرات سوسیالیست (۷) یعنی دو حزب کوچکی را که هیچگاه کمترین وزنه‌ای در کشور نداشته‌اند و همچنین برخی از "شخصیتهای سرشناس" (۸) را بخود جلب کرده است و میتوان پیش‌بینی کرد که عده‌ای دیگر از عناصر میانه‌حال هم بارتجاع خواهند پیوست. دلیلش اینست که نیروهای دموکراتیک چین روز بروز افزایش مییابند و حال آنکه نیروهای ارتجاعی روز بروز منفردتر میشوند، و این امر ایجاب میکند که خط تمایز میان ما و دشمن ما با چنین روشنی ترسیم شود. همه عناصری که بمنظور فریب خلق

در جبهه دموکراتیک پنهان شده‌اند سرانجام چهره حقیقی خود را نشان خواهند داد و از طرف خلق رانده خواهند شد و صفوف ضد امپریالیستی و ضد فئودالی توده‌ها در اثر اینکه بین خود و این مرتجعان تقابدار خط تمایز روشنی ترسیم کرده‌اند بازهم بیشتر گسترش خواهند یافت .

۹ - تحول وضعیت بین‌المللی برای مبارزه خلق چین بسیار مناسب است . نیروی روزافزون اتحاد شوروی و کامیابیهای سیاست خارجی ، گرایش خلقهای جهان باینکه روز بروز بیشتر به سمت چپ روی آورند و اعتلاء مداوم مبارزات آنها برعلیه نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی ، دو عامل بزرگ است که امپریالیسم آمریکا و چاکرانس را در کشورهای مختلف به انفراد روز بروز کاستر کشانیده و باز هم خواهد کشانید . اگر عامل بحران اقتصادی را که ناگزیر در آمریکا پیش خواهد آمد براین بیفزائیم دیده میشود که امپریالیسم آمریکا و چاکرانس اجباراً به وضعیتی بازهم وخیمتر دچار خواهند آمد . قدرت امپریالیسم آمریکا و چاکر او چانکایشك فقط موقت است . تعرضهای آنها در هم شکستی است . این افسانه که تعرضهای مرتجعان را نمیتوان درهم شکست نباید هیچ اعتباری در صفوف ما داشته باشد . کمیته مرکزی چندین بار در این مورد تأکید کرده است و تحول وضعیت بین‌المللی و داخلی هر روز با روشنی بیشتری صحت این نظریه را تأیید میکند .

۱۰ - چانکایشك بمنظور آنکه فرصت لازم برای تکمیل سپاهیان خویش بدست آورد و تعرض تازه‌ای برانگیزد ، بمنظور آنکه از آمریکا وامهای دیگر و تجهیزات دیگر بگیرد و بمنظور آنکه خشم خلق را تسکین بخشد بحیله جدیدی مبادرت جسته خواستار از سرگرفتن باصطلاح مذاکرات صلح با حزب ما شده‌است (۹) . سیاست حزب ما رد این " مذاکرات "

نیست بلکه استفاده از این فرصت است برای افشاء حیلہ چانکایشک .

۱۱ - ما برای درهم شکستن کامل تعرض چانکایشک باید در عرض چند ماه آینده بازهم ، ۴ تا ۵ تیپ او را نابود سازیم . این جاست کلید حل همه مسائل . ما برای نیل باین هدف باید رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۱ اکتبر سال گذشته را که مربوط به ترازنامه سه ماه است و رهنمود کمیسیون نظامی مورخ ۱۶ سپتامبر همان سال را که مربوط به تمرکز نیروها برای نابود ساختن یکپاک نیروهای دشمن است کاملاً بموقع اجرا بگذاریم . در اینجا توجه رفا را در کلیه مناطق بار دیگر بنکات زیرین جلب میکنیم :

الف - مسئله نظامی . ارتش ما در طی نبردهای سختی که در هفت ماه اخیر در گرفت ثابت کرد که بخوبی میتواند تعرض چانکایشک را درهم بشکند و به پیروزی نهائی برسد . ارتش ما هم ساز و برگ خود را و هم تاکتیک خود را بهبود بخشیده است . از این بعد وظیفه مرکزی ما در ساختمان ارتش عبارتست از اینکه واحدهای توپخانه و مهندسی را با کلیه وسائل خود تقویت کنیم . کلیه مناطق نظامی ، چه بزرگ و چه کوچک ، و کلیه ارتشهای صحرائی باید مسائل مشخصی را که مربوط به تقویت واحدهای توپخانه و مهندسی است و در درجه اول دو مسئله آموزش کادرها و تولید مهمات را حل کنند .

ب - مسئله ارضی . تقریباً در دو سوم سرزمین هر منطقه آزاد شده ، رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۴ مه ۱۹۴۶ (۱۰) بموقع اجرا در آمده ، مسئله ارضی حل شده و سیاست " زمین از آن کشتکار است " عملی گردیده است . این پیروزی بزرگی است . معذک بر تقریباً یک سوم سرزمین ها باقی است که باید تمام کوشش را برای بسیج کامل توده ها

و عملی ساختن سیاست " زمین از آن کشتکار است " در آنجا بکار برد . در بعضی جاها که این سیاست عملی گردیده هنوز نقایصی در کار است ، مسئله عمیقاً حل نشده است . و علت عمده‌اش اینست که توده‌ها خوب بسیج نشده‌اند بالنتیجه مصادره و تقسیم زمین از ریشه صورت نگرفته و این امر موجب ناخشنودی توده‌ها گردیده است . در چنین جاهائی ما باید برسیدگی دقیق دست بزنیم و تعادل برقرار سازیم (۱۱) تا دهقانانی که زمین ندارند و یا کم زمین دارند زمین بگیرند و همه اشراف زیانکار و مستمکاران محلی کیفر ببینند . ما باید در تمام مدتی که سیاست " زمین از آن کشتکار است " در حالت اجرا است با دهقانان سیانه حال مصممانه متحد شویم ؛ بهیچوجه قابل قبول نیست که منافع دهقانان میانہ حال (و از آنجمله دهقانان میانہ حال مرفه) پایمال گردد . اگر منافع دهقانان میانہ حال لطمه دیده است باید جبران کرد و از آنها پوزش خواست . بعلاوه در طی اصلاحات ارضی و بعد از آن باید با در نظر داشتن « رهنمود ۴ مه » بطور کلی به وضع دهقانان مرفه و بوضع مالکان متوسط و کوچک ارضی، در حدودی که توده‌ها رضایت بدهند ، توجه مناسب معطوف داشت . بطور خلاصه ما باید در طی جنبش اصلاح ارضی در مناطق روستائی با بیش از ۹۰ درصد اهالی روستا که اصلاحات ارضی را تأیید میکنند متحد شویم و تعداد اندک فئودالهای مرتجع را که با آن مخالفانند منفرد گردانیم بطوریکه بتوانیم سیاست " زمین از آن کشتکار است " را بسرعت عملی سازیم .

ج - مسئله تولید . در کلیه مناطق باید همه چیز را برای مدت متمادی پیش‌بینی کرد و باید مجدانه بتولید پرداخت ، صرفه جوئی اکید بکار برد و بر اساس دو امر ضروری که یکی بسط تولید و دیگری

مراعات صرفه جوئی است راه حل صحیحی برای مسئله مالی یافت . در اینجا اصل اول عبارتست از بسط تولید و تأمین نیازمندیها . پس باید با این نظریه اشتباه‌آمیز مبارزه کرد که فقط بر امور مالی و بازرگانی تکیه میکند و تولید کشاورزی و صنعتی را از دیده فرو میگذارد . اصل دوم عبارتست از توجه به نیازمندیهای ارتش و مردم ، به منافع عمومی و فردی . پس باید با این نظریه اشتباه‌آمیز مبارزه کرد که فقط بیک طرف توجه دارد و طرف دیگر را از دیده فرو میگذارد . اصل سوم عبارتست از تمرکز رهبری در عین عدم تمرکز مدیریت . پس جز در جایی که مستلزم مدیریت متمرکز است باید با این نظریه اشتباه‌آمیز مبارزه کرد که میخواهد همه چیز را بدون محاسبه اوضاع و احوال متمرکز گرداند و جرات ندارد به مدیریت غیر متمرکز میدان بدهد .

۱۲ - حزب ما و خلق چین همه اسباب پیروزی را در دست دارند . در این هیچ تردیدی نیست . ولی این بیان معنا نیست که دیگر دشواری‌هایی در جلوی ما نخواهد بود . مبارزه چین بر ضد امپریالیسم و فئودالیسم مبارزه‌ای طولانی است ، مرتجعان چینی و بیگانه با تمام نیروی خود به مخالفت با خلق چین ادامه خواهند داد ، سلطه رژیم فاشیستی در مناطق تحت نظارت چانکایشک بازهم شدیدتر خواهد گشت ، موقتاً برخی از سرزمینهای مناطق آزادشده در اشغال دشمن خواهد افتاد و یا عرصه جنگهای پارتیزانی خواهد شد ، ممکن است که بر بخشی از نیروی انقلابی موقتاً تلفاتی وارد شود و البته ما در طی جنگ طولانی ضایعات انسانی و مادی خواهیم داشت . همه رفقای حزبی باید اینها را خوب بحساب بیاورند و آماده باشند که با اراده استوار منتظماً بر همه دشواریها فائق آیند . نیروهای ارتجاعی

مشکلاتی دارند و ما هم مشکلاتی داریم . اما مشکلات نیروهای ارتجاعی غلبه پذیر نیست زیرا که آنها راهسپار نیستی‌اند و هیچ دورنمای آینده‌ای ندارند . مشکلات ما غلبه‌پذیر است زیرا که ما نیروهای جوان و روینده هستیم و آینده درخشانی از آن ماست .

یادداشتها

۱ - مقامات گومیندان در شانگهای از اوت ۱۹۴۶ کار وکسب دستفروشان محله حوان پو و لائوجا را غدغن کردند . در دهه آخر نوامبر قریب هزار تن از دستفروشان که بکسب خویش ادامه داده بودند دستگیر شدند . در ۳۰ نوامبر سه هزار دستفروش بنمایش پرداختند و کلانتری محله حوان پو را بمحاصره در آوردند . مقامات گومیندان دستور تیراندازی دادند . ۷ تن از نمایش‌دهندگان بقتل رسیدند و بسیاری دیگر زخمی و یا دستگیر شدند . روز اول دسامبر دستفروشان به مبارزه ادامه دادند . با آنکه ده نفر دیگر بقتل رسیدند و بیش از صد نفر زخمی شدند تعداد شرکت کنندگان به بیش از پنج هزار بالغ گردید . کلیه مغازه‌های شانگهای برای آنکه علاقه خویش را بدستفروشان نشان بدهند تخته کردند . باین ترتیب حادثه مذکور بصورت جنبش توده‌ای ضد چانکایشک در آمد ، جنبشی که در سراسر شهر گسترش یافت .

۲ - این حادثه در ۲۴ دسامبر ۱۹۴۶ در بی پین روی داد . يك دوشیزه دانشجوی دانشگاه پکن بوسیله سربازان آمریکائی هتك عصمت شد و در اثر آن در چندین ده شهر بزرگ و متوسط مناطق تحت نظارت چانکایشک دانشجویان از ۳۰ دسامبر و در تمام طول ژانویه ۱۹۴۷ به برپا کردن اعتصابات و نمایشهای ضد آمریکا و ضد چانکایشک دست زدند و خروج ارتشهای آمریکا را از چین خواستار شدند . بیش از نیم میلیون دانشجو در این جنبش شرکت جستند .

۳ - اشاره است به جنبش میهن پرستانه دانشجویان که در ۹ دسامبر ۱۹۳۵ در بی پین روی داد . برای توضیح بیشتر مراجعه شود به «درباره قاکتیک‌های مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن » ، یادداشت ۸ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .

۴ - "سیستم سه ثلث" مظهر سیاست جبهه متحد در تشکیل ارگانهای قدرت در مناطق آزاد شده در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بود، سیاستی که حزب کمونیست چین دنبال میکرد. بموجب سیاست مذکور ارگانهای قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی تشکیل میشد از اعضاء حزب کمونیست، از مشرقیان چپ و از عناصر وسط و غیره، تقریباً بنسبت يك سوم از هر کدام.

۵ - «قرارداد بازرگانی چین و آمریکا» یعنی «قرارداد دوستی، بازرگانی و دریانوردی چین و آمریکا» در ۴ نوامبر ۱۹۴۶ در نانکن بین دولت چانگکایشک و دولت آمریکا منعقد شد. این قرارداد که قسمت بزرگی از حاکمیت چین را بآمریکا تفویض میکرد شامل سی ماده بود که مضمون عمده اش چنین است:

(۱) - اتباع آمریکا در "سراسر سرزمین" چین از حق اقامت، مسافرت، پرداختن بکار بازرگانی، تولید و بعمل آوردن محصولات، اشتغال بعلوم، آموزش و پرورش، مذهب، و امور خیریه بهره منداند و همچنین حق دارند به تفحص منابع معدنی و بهره برداری از آنها مشغول شوند، زمین اجاره کنند، مالك زمین شوند و به سایر حرف و مشاغل دست بزنند. اتباع آمریکا از لحاظ اقتصادی همان حقوقی را خواهند داشت که چینیها دارند.

(۲) - محصولات آمریکائی در چین در زمینه مالیات و عوارض، فروش، توزیع و مصرف از شرایطی استفاده خواهند کرد که لااقل باندازه شرایطی که برای محصولات کشوری دیگر و یا برای محصولات چینی معین شده است مساعد باشد. "هیچ ممنوعیت و هیچ محدودیتی" از طرف چین بر گیاهان کاشتنی، بر محصولات و مواد ساخته شده که از آمریکا وارد شود و یا بر محصولات و مواد چینی که بآمریکا صادر شود "برقرار نخواهد گشت".

(۳) - کشتیهای آمریکائی آزاد خواهند بود که به کلیه بنادر، نقاط و آبهای داخلی چین که بروی دریانوردی و بازرگانی خارجی باز است وارد شوند. سرنشینان و محصولات این کشتیها از آزادی ترانزیت در خاک چین "از مناسبترین راهها" برخوردار خواهند بود. کشتیهای آمریکائی و از آنجمله کشتیهای جنگی میتوانند به بهانه "اولین علامت خطر" "بهر يك از بنادر، نقاط و آبهای داخلی" چین "که بروی دریانوردی و بازرگانی خارجی باز نیست" وارد شوند.

گوی جیون که در آنموقع سفیر دولت چانگکایشک در آمریکا بود با بیشرمی علنی گفت این قرارداد بمعنای "گشودن همه سرزمین چین بر روی بازرگانان آمریکا" است.